خبر

«جهان ورزش» قدیمی‌ترین و پایدارترین بخش رادیو ورزش

برنامه «جهان ورزش» یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین بخش‌های رادیو ورزش به‌طور اختصاصی به ورزش جانبازان و معلولان، نابینایان، کم‌بینایان و ناشنوایان می‌پردازد.

حمید بهمنی، تهیه‌کننده برنامه جهان ورزش در این‌باره گفت: این برنامه از ساعت ۱۵ به مدت ۶۰ دقیقه از طریق رادیو ورزش روی موج fm ردیف ۹۲ مگاهرتز پخش می‌شود و در تمام دقایق آن به مجموعه فعالیت‌ها و رویدادهای ورزش‌های مورد اشاره می‌پردازد و تلاش دارد نگاهی همه جانبه و پردامنه به چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پیرامون آن بپردازد.

وی افزود: در شروع هر برنامه فرازی از توجهات مقام معظم رهبری به مقوله ورزش و جرگه قهرمانان پخش می‌شود و در این برنامه بخش‌های مجزا و مستقلی در نظر گرفته شده تا تمامی وجوه و ابعاد این سه رشته وسیع را که هرکدام خود دربرگیرنده رشته‌های زیادی هستند، پوشش دهد. بخش‌های تحلیلی در قالب نریشن‌های تخصصی از جمله آنهاست که به بررسی موضوعات روز می‌پردازد. آیتم پهلوانان ابدی، یک بخش ثابت است تا هر برنامه به یکی از شهدای عزیز ورزشکار بپردازد.

بهمنی ادامه داد: بخش ویژه علم و ورزش به‌شکل دنباله‌دار و سریالی را یکی از کارشناسان حوزه پزشکی و تغذیه ورزش برای بهره ورزشکاران پخش می‌کند و در آیتم اوجان، قهرمانانی که از نظرها دور مانده‌اند، معرفی می‌شوند.

نگاهی به تجربه‌ای کره‌ای در عرصه سریال‌های قضایی

دنیای جذاب قاضی و دادگاه!

علی چاهخوزاده
گروه رسانه

مجموعه تلویزیونی «آقای قاضی» که در شب‌های تابستان و پاییز شاهد پخش آن از شبکه دوی سیما بودیم، بسیاری از اطلاعاتی را که مخاطبان تلویزیون می‌بایست از آداب دادگاه، آیین دادرسی، جایگاه متهم و شاکی، بزهکاران، موارد خلاف در جامعه، زیرپاگذاشتن حقوق دیگران، قوانین شهروندی و دیگر مسائل قضایی بدانند، در قاب تلویزیون به نمایش گذاشت. اتفاقی که در حرکت جدید رسانه‌ملی، تلویزیون را در مسیر آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی از طریق فضای سرگرمی قرار می‌دهد. دنیای رسانه در سریال‌سازی و عرصه سینما نیز اینچنین و با پیچیدگی‌های بیشتر راهبردهای کلان را پی می‌گیرد. در این میان کره جنوبی برای بسیاری از معضلات اجتماعی خود از طریق سینما و صنعت سریال‌سازی آگاهی بخشی می‌کند. «زندگی دوباره من» داستان یک دادستان مشتاق کیم‌هی‌وو (با بازی لی جونگی) را روایت می‌کند، وقتی او روی پرونده فساد یک سیاستمدار به نام چوته‌سئوپ تحقیق می‌کند، توسط فردی ناشناس کشته می‌شود. اما کیم‌هی‌وو از خواب بیدار می‌شود و دوباره خود را زنده می‌بیند، به شرطی که این بار چوته‌سئوپ را از بین ببرد. در حالی که خاطراتش دست‌نخورده او به زمان گذشته فرستاده می‌شود تا سرنوشت خود را تغییر دهد.

کیم‌هی‌وو در زندگی دوباره من با شرور وحشتناکی روبه‌رو می‌شود که با ظلم‌های اهریمنی‌اش، همه را به لرزه در می‌آورد. این شخصیت با بازی لی‌کیونگ‌یانگ، یک پادشاه خودخوانده است که قدرت بیشتری نسبت به شخص رئیس‌جمهور دارد. با چنین شرور شومی، مبارزه جذاب‌تر خواهد شد.

فرصت یک زندگی دوباره

داستان این سریال با شکست کامل و غم‌انگیز کیم‌هی‌وو آغاز می‌شود. با این حال، به‌رغم این‌که کاملا در حال مرگ است، به او فرصتی دوباره برای زندگی داده می‌شود تا نه تنها انتقام قتل خودش، بلکه والدینش را هم بگیرد و زندگی اطرافیانش را تغییر دهد. قهرمان ما با آگاهی کامل از آینده همان‌طور که در زندگی گذشته‌اش تجربه کرده، به گذشته برمی‌گردد، که او را با همه چیزهایی که برای از بین بردن چوته‌سئوپ نیاز دارد مجهز می‌کند.

نکته رایج در درام‌های سفر در زمان این است که تغییر کوچک‌ترین چیز در گذشته می‌تواند آینده را کاملا متحول کند و اغلب اوقات همیشه تأسف‌آور است. با این حال، زندگی دوباره من یک استثناست. خود فرشته مرگ برای دومین بار به کیم‌هی‌وو زندگی اعطا کرده است، او حالا کنترل کاملی بر آینده خود دارد و این‌که چگونه می‌خواهد آن را تغییر دهد. این درام حقوقی، اکشن ماجرای جنگیدن یک دادستان شجاع و البته باهوش را به تصویر کشیده است، او قصد دارد با قدرتمندترین فرد در کره جنوبی مبارزه کند و او را به دست عدالت بسپارد. چوته‌سئوپ که یک نماینده مجلس و یک حزب قدرتمند را اداره می‌کند، با نفوذ بسیاری که دارد اقتصاد و سیاست کشور را در دست دارد. این سیاستمدار فاسد که در نظر خودش به کشور خدمت می‌کند، عقیده دارد برای اهداف بزرگ و قدرتمند کردن کشور باید لابی کرد و برخی افراد هم قربانی این راه شوند. دادستانی و قوه قضاییه، رئیس جمهور و اکثریت مجلس کره در اختیار اوست، حتی گروه‌های بزرگ اقتصادی که اکثریت اقتصاد کشور را هم دارند، از او تبعیت می‌کنند. حال با توصیف این شرایط، کیم‌هی‌وو قصد دارد، چهره اصلی او را برای همه افشا کند. او بعد از سفرش در زمان به ۱۰ سال عقب برمی‌گردد؛ به دوران دبیرستان. از آنجا که تمام خاطراتش را به یاد دارد، شروع می‌کند به درس خواندن و قبولی در بهترین دانشگاه حقوق کره. همزمان کار سرمایه‌گذاری در املاک را هم آغاز می‌کند، او بر این باور است که عدالت بدون قدرت امکان‌پذیر نخواهد بود. او در دانشگاه با کیم یوری، کیم هی‌آ، کیم هامی و لیم مین سو آشنا می‌شود. این افراد در راه رسیدن کیم‌هی‌وو برای رسیدن به عدالت کمک او هستند.

تقابل خیر و شر

برای شروع کیم‌هی‌وو به یکی از شهرهای کره به اسم کیم‌سان می‌رود و به دنبال جون‌سوک‌کیو، دادستانی است که به خاطر مبارزه با فساد چوته‌سئوپ به این شهر تبعید شده بوده است. کیم‌هی‌وو در کیمسان با فساد شهردار، رئیس پلیس و نماینده مجلس مقابله می‌کند. آنها با یک باند مواد مخدر و قمار همدست هستند و از این راه ثروت هنگفتی به دست آورده‌اند. هدف کیم‌هی‌وو انتقال دادستان این شهر به سئول بوده تا به او برای مقابله با فساد چوته کمک کند. آنها پس از به سرانجام رساندن این پرونده نسبتا بزرگ به سئول منتقل می‌شوند. تیم کیمسان و افرادی که در دانشگاه بودند ابتدا سراغ چوته‌سئوپ نمی‌روند و شروع می‌کنند افراد نزدیک به او را حذف کردن و این برخورد و تقابل را با هر کسی که با توجه به منافع چوته‌سئوپ باشد آغاز می‌کند. آنها نمایندگانی که گوش به حرف او هستند تا دادستان‌ها و مدیران کارخانجات و گروه‌های صنعتی و بانک‌هایی که حکم گاوصندوق او را دارند، در یک مورد که به بسیار برای چوته مهم است و آن یک گروه صنعتی بزرگ است. کیم‌هی‌وو دقیقا به مقابله با کسی می‌رود که قرار است نماینده چوته‌سئوپ در این گروه صنعتی شود. کیم‌هی‌وو در اینجا به کمک هم‌دانشگاهی خود می‌رود، او یکی از وارثان آن گروه صنعتی بوده است. او با تمام ثروت خود سهام زیادی از این گروه را می‌خرد. ویژگی هی‌آ همراهی نکردن با خواسته‌های چوته‌سئوپ است.

کیم‌هی‌وو در ادامه اقدامات خود شروع به همکاری با نماینده‌ای از حزب رقیب چوته‌سئوپ در مجلس ملی می‌کند و اسنادی را که نمی‌تواند افشا کند، از این طریق انجام می‌دهد. یکی از این افشاگری‌ها انتشار فهرست فرزندان برخی نماینده‌ها و سلبریتی‌هایی است که به سربازی نرفته و معاف شده‌اند. پس از این اقدامات کیم‌هی‌وو با کشف فساد چند دادستان‌های نزدیک چوته آنها را هم محکوم می‌کند و او هم شروع به مقابله می‌کند و از طریق فشار به دادستانی، بیشتر همراهان کیم‌هی‌وو را به شهرهای دیگر منتقل می‌کند و به او نیز دستور می‌دهند برای دوره‌ای به آمریکا برود. کیم‌هی‌وو از رفتن به آمریکا سر باز می‌زند و از دادستانی استعفا می‌کند و نامزد نمایندگی مجلس از حزب رقیب و در همان حوزه انتخاباتی چوته‌سئوپ می‌شود. او اما با دستکاری رسانه شروع به تخریب کیم‌هی‌وو می‌کند. رقیب هم درخواست مناظره می‌دهد و تمام جرم‌های چوته را افشا و کاری می‌کند او دست به خودکشی بزند و کیم‌هی‌وو حالا در قامت یک نماینده مجلس درصدد است دوباره با فساد مبارزه کند.

درنگ

طلوع قهرمان از دل تاریکی

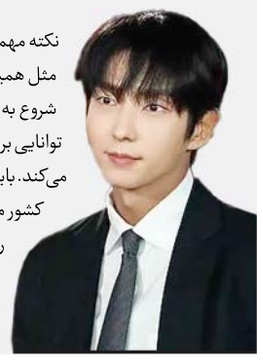

نکته مهمی که این روزها صنعت سریال کره و در ژانر حقوقی و سیاسی دنبال می‌کند، سوژه بسیار جالبی است مثل همین سریال که ابتدا کشور را غرق در فساد نشان می‌دهد و از دل همین سیستم، کسی پیدا می‌شود و شروع به پاکسازی می‌کند و این امنیت ذهنی را به مخاطب القا می‌کند اگر چه فساد وجود دارد اما سیستم توانایی برخورد با آن را دارد و یک دادستان و نماینده مجلس در نقش یک قهرمان کل سیستم را عاری از فساد می‌کند. باید به این نکته دقت کرد برخلاف تبلیغات این سریال‌ها، برخی از فسادها در کره قانونی می‌شود و اگر چه کشور ما در زمینه برخورد با فساد کارنامه خوبی دارد اما متاسفانه تصویر ماندگاری از این تلاش و موفقیت در رسانه‌ها دیده نمی‌شود، درحالی که دستگاه قضا در اندیشه اسلامی روایت‌ها و داستان‌های پیچیده و جذابی دارد که همچنان در انتشار توجه رسانه‌ملی و فیلمسازان است تا واقعیت‌های نظام اسلامی را برای مردم تبیین کند.

یادداشت

فروشگاهی پر از خاطرات تماشایی

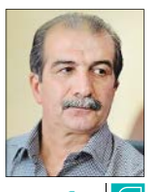

جبار آذین
رسانه
منتقد و مدرس

بازپخش سریال‌های قدیمی از شبکه‌های تماشا و آی فیلم و گاهی از شبکه‌های دیگر سیما، چند ویژگی مهم دارد. نخست آن که مخاطبان دیروز تلویزیون که امروز دوران جوانی و میانسالی را می‌گذرانند، به خاطره بازی می‌برد و سپس نسل‌های جدید را با مضمون و محتوا و ساختار سریال‌های چند دهه قبل و زندگی و دغدغه‌های مردم در آن روزها آشنا می‌کند. سوم؛ به یادمان می‌آورد در روزگاری نه چندان دور، تولید سریال‌های خوب و مخاطب‌پسند بیش از امروز بوده است. چهارم؛ با توجه به رشد و توسعه ابزار و امکانات جدید و فناوری‌های نوین، کاستی آنها نمایان می‌شود. پنجم؛ جای خالی هنرمندان خوب در سریال‌های قدیمی را که دیگر در میان ما نیستند و آسمانی شده‌اند، متذکر می‌شود. ششم ثابت می‌کند هر چه موضوع و مضامین سریال‌ها به فرهنگ و مسائل زندگی خانواده‌ها و جوانان نزدیک باشد، تماشای آنها لذتبخش و باورپذیر خواهد بود و هفتم؛ نقش و تاثیر قوت و قدرت هنری و حضور هنرمندان درجه یک در تولید سریال‌ها عیان می‌شود. از این رو بازپخش برخی سریال‌های قدیمی، همچنان مخاطب دارد و با استقبال روبه‌رو می‌شود. بینندگان شبکه تماشا، این شب‌ها شاهد پخش یکی از مجموعه‌های خوب و بامحتوای قدیمی هستند که به «زندگی» می‌پردازد و جمعی از بهترین‌های سینما، تئاتر و تلویزیون در تولید آن مشارکت داشته‌اند. درام خانوادگی و اجتماعی «فروشگاه» ساخته نویسنده و کارگردان باسابقه و مخاطب‌شناس تلویزیون، احمد بهبهانی است. فروشگاه از نظر سوژه و محتوا، حرف‌های گنده نمی‌زند، شعار نمی‌دهد و ادا و اطوار در نمی‌آورد و می‌کوشد با تصویر کشیدن زندگی یک خانواده به مسائل و مشکلات آنها بپردازد. دغدغه اصلی و کنونی این خانواده که سایر مشکلات آنها را تحت‌تاثیر قرار داده، فکر تاسیس یک فروشگاه توسط پدرخانواده است که موافقان و مخالفانی دارد و پدر باید به آنها رسیدگی کند و به کمک سایرین به امور خانواده و فامیل خود سر و سامان دهد. فروشگاه، درامی نسبتا خوب در فیلمنامه و اجرا و کارگردانی و بازی‌ها دارد و بازیگران قوی و توانای آن در نمایش شخصیت‌های آشنای سریال که از جنس مردم هستند، به توفیق رسیده‌اند. کیفیت معنایی و ساختاری فروشگاه با توجه به سال تولید آن - سال ۷۴ - پذیرفتنی و مقبول است. جدا از امتیازها و کمبودهای این سریال، آنچه سبب تماشای دوباره آن می‌شود، حضور هنرمندان آسمانی شده آن است. هنرمندانی چون شهلا ریاحی، داریوش اسدزاده، مرتضی احمدی، رضا کرم‌رضایی، علی‌اصغر گرمسیری و عزت‌ا... مهرآوران که روح‌شان شاد و یادشان گرامی باد. باتماشای سریال به‌یاد ماندنی و دیدنی فروشگاه، به بهترین‌های دیروز و داشته‌های خوب امروز و امیدآفرینان عرصه هنر، سینما و تلویزیون به‌خصوص در حوزه سریال‌سازی بیش از گذشته فکر و توجه کنیم و در مسیر ارتقای کمی و کیفی آثار شاخص و فاخر تلویزیونی بیشتر بکوشیم.

خبر

خاص و رنگی باشید

برنامه «خاص باشید» را جمعه‌ها ساعت ۱۶ از رادیو ایران بشنوید. متین‌السادات فیروزی، تهیه‌کننده برنامه رادیویی «خاص باشید» بیان کرد: این برنامه در حوزه معرفی کارآفرینان موفق ایرانی و کسب‌وکارهای نوپا و شغل‌های خلاقانه است. تهیه‌کننده این برنامه در پایان یادآور شد: خاص باشید، مستند گزارشی است برای معرفی کارآفرینان خوشفکر کشورمان که هر هفته، تینا میرکریمی، گزارشگر برنامه به محل کار یکی از کارآفرینان موفق می‌رود و از آنها درباره رازورمزهای کسب‌وکارشان، اطلاعاتی کسب می‌کند.

گفت و شنود

«عصر جدید» و «خندوانه» را ما تعطیل نکردیم

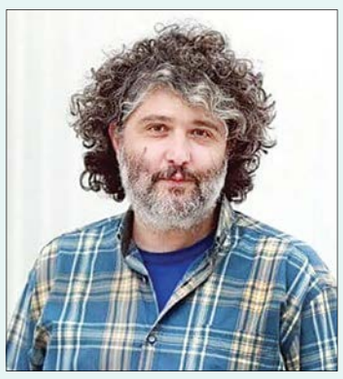

محسن برمهانی، معاون سیمای رسانه‌ملی درخصوص برنامه‌های «عصرجدید» و «خندوانه» گفت: من شب اختتامیه عصرجدید رفتم به او خدا قوت بگویم و درباره برنامه هم صحبت شد. آن زمان خودش (از عوامل عصرجدید) گفت شرایط عصرجدید به گونه‌ای است که الان نمی‌تواند ادامه‌اش بدهد. حرفش هم این بود که یافتن استعدادها ظرفیت انباشته‌ای داشته که طی سال‌ها بوده و در چند دوره این برنامه سراغ آن ظرفیت رفته‌اند و الان باید فضا مجدد بازیابی شود. درباره نمونه‌های دیگر هم همین‌طور بوده است. مثل رامبد جوان و برنامه «خندوانه» که شایعه کردند ما تعطیل کرده‌ایم. درحالی‌که زمانی که خودم با آقای جوان صحبت کردم، او در کش‌وقوس طراحی برنامه جدیدی غیر از خندوانه بود. بااین‌حال برخی می‌خواهند بگویند عصرجدید را تعطیل کرده‌اند، خندوانه را هم تعطیل کرده‌اند! می‌خواهند اینها را به نام ما بنویسند، درحالی‌که اصلا چنین اتفاقی نیفتاده است.

وی در پاسخ به این صحبت که تعطیلی این برنامه‌ها در زمان او بوده و به نام او تمام شده به مهر گفت: ایرادی ندارد، به نام من تمام شود! اصل موضوع که مشخص است. به هیچ‌عنوان این‌گونه نبوده که ما این برنامه‌ها را تعطیل کنیم. از طرف دیگر برخی می‌خواهند بگویند چون عده‌ای در کشور ناامنی ایجاد کرده‌اند، به‌واسطه این ناامنی‌ها این افراد دیگر نمی‌خواهند کار کنند، درحالی‌که واقعا این‌گونه هم نیست. لااقل این دو مورد را خودم با آنها صحبت کرده‌ام و در جریان هستم.

معاون سیمای رسانه‌ملی تاکید کرد: قبل از ناآرامی‌ها و لااقل درباره این دو مورد می‌توانم بگویم خودم صحبت کرده‌ام و خبر دارم. اصلا از همان زمان قرار نبود خندوانه ادامه پیدا کند آن هم نه به این معنا که کلا تولیدش متوقف شود بلکه به این معنا که لااقل برنامه‌ای برای تولید فصل جدیدش وجود نداشت اما حالا برخی می‌خواهند ماجرا را به گونه دیگری جلوه بدهند!

چهره

۴۵ سالگی پسر خانواده

سپند امیرسلیمانی، بازیگر و مجری تلویزیون، امروز ۴۵ ساله می‌شود. امیرسلیمانی بازیگری را از سن کم آغاز کرد و به موسیقی هم علاقه داشت. بازی در سریال‌هایی مثل من یک مستاجرم، شب‌های برره، مرد دوهزارچهره، خوش‌نشین‌ها، نرگس، پاورچین و معمای شاه را در کارنامه خود دارد. او در سال‌های اخیر بیشتر از بازیگری، به سمت اجرای تلویزیونی رفته و توانسته در این حوزه هم نقش‌آفرینی کند. امیرسلیمانی در این سال‌ها توانست با بازی در سریال‌های کمدی مثل مرد دوهزارچهره و شب‌های برره توجه مخاطب را به خود جلب کند. البته در کنار بازیگری و اجرا به موسیقی هم علاقه دارد و از کودکی تنبک کار می‌کرد و در کنار آن نواختن دف را هم دنبال کرد. امیرسلیمانی درواقع در یک خانواده هنری به دنیا آمد چراکه خواهرش کمند امیرسلیمانی و پدرش سعید هم در حوزه بازیگری فعال هستند. از کودکی در تئاترهای مختلف به همراه خواهرش بازی می‌کرده ولی اولین بار به صورت حرفه‌ای در سال ۱۳۷۰ وقتی ۱۴ ساله بود نقش کوتاهی با پدرش در سریال «دندان طلا» ایفا کرد.

سیما

روایت سارقان روح

مجموعه تلویزیونی سارق روح که در سال ۱۳۹۶ تولید و پخش شده بود این روزها از شبکه آی فیلم پخش می‌شود. این سریال روایت درگیر شدن افراد با فرقه‌های مختلف است. نادر عابدی با بازی دانیال حکیمی استاد دانشگاه و بازنشسته وزارت اطلاعات است که نگاهش به پدیده‌های اجتماعی، پژوهشی و علت و معلولی است به همین خاطر دوباره به محل کار خود بازمی‌گردد و بررسی پرونده‌هایی را می‌پذیرد. در این میان، تیمی که وی را در این مأموریت‌ها همراهی می‌کند، دانشجوهای خودش هستند و نگاه موشکافانه‌ای به پرونده‌ها دارد. این استاد دانشگاه به همراه تیم خود موضوع گروه‌ها و حلقه‌های شبه‌عرفانی جدید را انتخاب کرده و سعی در بررسی همه‌جانبه این موضوع و علل گرایش افراد به این گروه‌ها دارند. آنها یکی از اعضای گروه به نام وحید (علیرام نورایی) را به شکل نفوذی وارد حلقه‌ای می‌کنند تا به اسرار داخلی این گروه پی ببرند. سریال، سرنوشت چند نفر از فریب‌خورده‌ها را پیگیری می‌کند. کارگردان این سریال احمد معظمی و تهیه‌کننده ابوالفضل صفری است. از جمله بازیگران آن می‌توان به دانیال حکیمی، ایرج نوذری، محمود پاک‌نیت، متین ستوده و نگین معتضدی اشاره کرد.

خاطرات کاغذی

چوبین

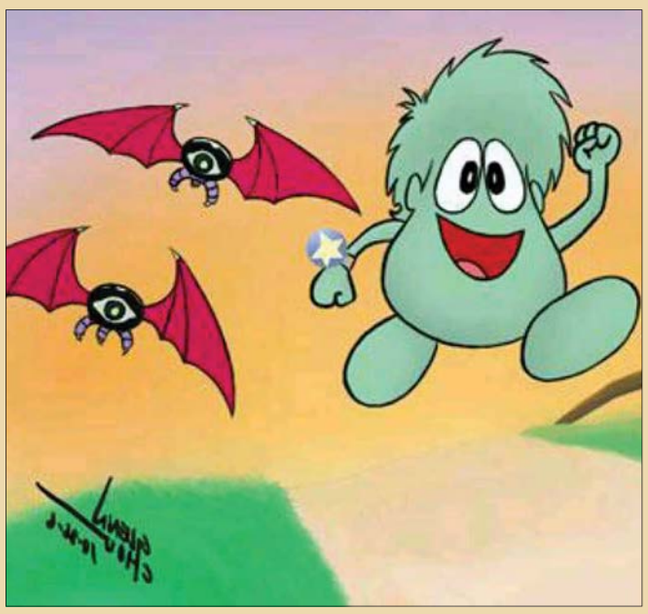

مریم فلاح: یک گوله پشمالو با دو چشم گنده، یک خرمن مو و پاهای کوتوله قلمبه، هویت ظاهری چوبین بود. موجودی که از ستاره‌ای به نام «درخشان» به زمین آمده بود تا مادرش را از چنگال هیولایی خبیث وغول‌آسا به نام «برونکا» نجات دهد. وقتی چوبین باسفینه‌اش به جو زمین آمد در خانه پیرمرد ستاره‌شناسی فرود آمد که با نوه‌اش - دختری به نام رولی- زندگی می‌کرد. اگرچه پدربزرگ اسمی از چنین ستاره‌ای نشنیده بود ولی به گفته چوبین ساکنین ستاره درخشان درباره کره ما اطلاعات زیادی داشتند!

پروانه‌ای که همدم تنهایی‌های چوبین بود، قورباغه‌ای به رنگ قرمز که بچه‌اش در دهانش زندگی می‌کرد، خرس افسرده حالی که فقط گل می‌خورد، خرگوش و رولی دوستان چوبین بودند.

یک جغدی هم تو داستان بود که هر وقت قرار بود اتفاق بدی بیفتد با اعلام «یک خبر بد» از بالای درخت به پایین می‌افتاد. با این‌که برونکای بدجنس مرتبا ماشین‌های عجیبی را برای مقابله با چوبین می‌فرستاد و ...

کیوآرکد را اسکن کنید